

1. مفهوم انسان را توضیح دهید.

انسان واژه ای است عربی، اسم جنس (عام) که برای مذکر و مؤنث، جمع و مفرد یکسان به کار می رود. انس در مقابل «جن» است. کلمه انسان یا از ماده «انس» است، از آن جهت که انسان ها با یک دیگر یا با هر چیزی مأنوس می شوند و خو می گیرند؛ لذا می گویند: انسان مدنی بالطبع است، چون طبعاً حال انس گرفتن در انسان قوی است. و یا از ماده «نسیان» و اصل آن «انسیان» است. انسان چون اهل نسیان و فراموشی است به او انسان گفته شده است.

2. انسان شناسی را تعریف کنید.

هر منظومه معرفتی را که به بررسی انسان یا بعد یا ابعادی از وجود او، یا گروه و قشر خاصی از انسان ها می پردازد می توان انسان شناسی نامید .

3. انواع انسان شناسی کدامند؟ توضیح دهید.

این مقوله را می توان بر اساس روش به انسان شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی تقسیم نمود . اما با توجه به نوع نگرش به انسان شناسی کلان یا کل نگر و انسان شناسی خرد یا جزء نگر تقسیم کرد . اندیشمندان برای حل معماها و پرسش های مطرح شده درباره انسان در طول تاریخ بشر راههای مختلفی را در پیش گرفته اند. و انسان شناسی در مکاتب نتیجه بررسیهای آنان می باشد .

برخی به بررسی مسأله با روش تجربی پرداخته و انسان شناسی تجربی را بنیان نهاده اند که دربرگیرنده همه رشته های علوم انسانی است. گروهی راه درست شناخت انسان را سیر و سلوک عرفانی و دریافت شهودی دانسته و با تلاش هایی که از طریق انجام داده اند به نوعی شناخت از انسان که می توان آن را انسان شناسی عرفانی نامید دست یافته اند . جمعی دیگر از راه تعقل و اندیشه فلسفی به بررسی زوایای وجود انسان دست یازیده و او را از این منظر مورد تحقیق قرار داده و نتیجه تلاش فکری خود را انسان شناسی فلسفی نامیده اند . سرانجام گروهی با استمداد از متون دینی و روش نقلی درصدد شناخت انسان برآمده و انسان شناسی دینی را پایه گذاری کرده اند.

4. اهمیت و ضرورت انسان شناسی را بنویسید.

الف) معنا یابی زندگی: با معنا بودن زندگی انسان، به تصویرهای مختلف از اویستگی تام دارد، برای مثال: اگر به این تصویر دست یابیم که انسان دارای هدف معقول و متناسبی نیست که در طول زندگی خود به سوی آن در حرکت باشد، یا اگر انسان را موجودی بدانیم که محکوم جبر است و خود نمی تواند سرنوشت خویش را رقم بزند، در این صورت زندگی انسان بی معنا و سراسرپوچ و بیهوده خواهد بود؛ ولی اگر انسان را موجودی هدفدار و مختار تصویر کردیم که می تواند با تلاش به آن هدف برتر دست یابد، زندگی وی معقول و بامعنا می شود.

ب) شناسایی استعداد های انسان: شناخت انسان سبب شناخت استعدادها و توانایی ها و نیز مقاصد متناسب با آن توانایی هاست. با توجه به اینکه انسان استعدادها و توانایی های بی حد و اندازه ای دارد که همگی در حکم ابزار و وسایل و وسایل زندگی و سیر و سفر اوست. طبعاً با شناخت آنها می تواند مقصد حقیقی خویش را بشناسد.

ج) شناخت نیازهای اساسی انسان:

اهمیت دیگر انسان شناسی این است که نیازهای اساسی انسان و راههای صحیح رفع این نیازها را به او معرفی می کند و این گونه آدمی را به تعادل می رساند. انسان متعادل در همه کارها و حالات تعادل خواهد داشت؛ یعنی همواره عقلش بر او حاکم است.

د) تعلیم و تربیت: شناخت انسانها و توانایی های ویژه هر یک در تربیت آن ها بسیار مؤثر و بلکه لازم و ضروری است.

ه) شناخت تکالیف و تعهدات اجتماعی: حیات انسانی از طریق زندگی اجتماعی تداوم می یابد و لازمه ای تداوم و رعایت حقوق و انجام تعهدات و تکالیف اجتماعی در تعامل اجتماعی اعضای جامعه می باشد و این امر بستگی اساسی به انسان شناسی دارد.

5. انسان از چند بعد تشکیل شده است؟

انسان موجودی است مرکب از جسم و روح، که پس از مرگ، جسم او متلاشی می شود ولی روح او به حیات خود ادامه می دهد، و مرگ انسان به معنای فنای او نیست. از این جهت تا برپایی قیامت، در عالم برزخ زندگی خواهد داشت. قرآن در بیان مراتب آفرینش انسان، آخرین مرحله آن را که با نفخه روح در کالبد وی صورت می پذیرد،

6. عبارت هر انسانی با فطرت پاک و توحیدی آفریده می شود را توضیح دهید؟

هر انسانی با فطرت پاک و توحیدی آفریده می شود، به گونه ای که اگر به همین حالت پیش برود و عوامل خارجی او را منحرف نکنند، راه حق را خواهد پیمود. هیچ فردی از مادر خویش خطاکار، گنهکار، و یا بد سگال زاده نشده است، و پلیدیها و زشتیها جنبه عرضی داشته و معلول عوامل بیرونی و اختیاری است. و روحیات ناپسند موروثی نیز به گونه ای نیست که در سایه اراده و خواست انسان تغییر ناپذیر باشد. بنابراین اندیشه گناه ذاتی فرزندان آدم، که در مسیحیت کنونی مطرح است، بی پایه است.

7. توضیح دهید چگونه انسان موجودی مختار و انتخابگر می باشد؟

انسان موجودی است مختار و انتخابگر، یعنی در پرتو قوه عقل پس از بررسی جوانب مختلف فعل، انجام یا ترک آن را برمیگزیند. قرآن کریم می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان/3): ما راه را به او نشان داده ایم، او یا سپاسگزار است و یا کفران کننده.

8. چگونه انسان موجودی تربیت پذیر است؟

انسان به حکم اینکه از فطرتی سلیم برخوردار است، و دارای قوه عقل است که می تواند خوب را از بد تمیز دهد و نیز از اختیار و انتخابگری برخوردار است - روی این جهات - موجودی است تربیت پذیر، که راه رشد و تعالی و بازگشت به سوی خدا به روی او در همه زمانها گشوده است، مگر در لحظه ای (لحظه مشاهده مرگ) که دیگر توبه او پذیرفته نیست.

9. چرا انسان را موجودی مسؤل می شمارند؟

انسان به حکم اینکه از نور خرد و موهبت اختیار برخوردار است، موجودی مسؤل است: مسؤل در برابر خدا، در برابر پیامبران و رهبران الهی، در برابر گوهر انسانی خویش و انسانهای دیگر و در برابر جهان. قرآن به مسؤلیت بشر در آیات بسیاری تصریح دارد.

می فرماید: «اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤولا» (اسراء/34): به پیمان وفادار باشید که از پیمان سؤال می شود.

10. ملاک مزیت و برتری انسان ها با همدیگر چیست؟

هیچ انسانی بر دیگری مزیت و برتری ندارد مگر از طریق کمالات معنوی که از آن برخوردار است. بارزترین ملاک مزیت و برتری نیز تقوا و پرهیزگاری در همه شئون زندگی است. چنانکه می‌فرماید:

«یاایهاالناس انا خلقناکم من ذکر وانثی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقاکم» (حجرات/13):

ای انسانها ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را دسته‌ها و قبیله‌های گوناگون قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامیترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است.

11. پیشرفت و عقب‌گرد امتها ناشی از چه عللی است؟

پیشرفت و عقب‌گرد امتها ناشی از عللی است که صرفنظر از برخی عوامل بیرونی، عمدتاً ریشه در عقاید و اخلاق و رفتار خود آنان دارد. این اصل با قضا و قدر الهی نیز منافات ندارد، زیرا این قاعده خود از مظاهر تقدیر کلی الهی است. یعنی مشیت کلی الهی بر این تعلق گرفته است که امتها از طریق عقاید و رفتار خود سرنوشت خود را رقم زنند. مثلاً جامعه‌ای که روابط اجتماعی خود را بر اصل عدالت و دادگری استوار سازد، زندگی نیک و آرامی خواهد داشت، و امتی که روابط اجتماعی خود را بر خلاف آن قرار دهد، سرنوشتی ناگوار در کمین او خواهد بود. این اصل همان است که در اصطلاح قرآن «ستهای الهی» نامیده شده است.

12. اسلام بر چه اساسی می‌فرماید "تاریخ بشر آینده‌ای روشن دارد"؟

تاریخ بشر آینده‌ی روشنی دارد. درست است که زندگی بشر غالباً با نابرابریها و نابسامانیها همراه بوده است، ولی این وضع تا آخر ادامه نخواهد داشت، بلکه تاریخ بشر به سوی آینده‌ای روشن در حرکت است که در آن عدل فراگیر حاکم شده. و به تعبیر قرآن کریم صالحان، حاکمان زمین خواهند بود. چنانکه می‌فرماید:

«و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (انبیاء/105): ما در زبور پس از «ذکر» (شاید مقصود تورات باشد) نوشتیم که صالحان حاکمان زمین خواهند شد.

13. چگونه انسان باید کرامت خویش را حفظ نماید؟

انسان از دیدگاه قرآن کریم از کرامتی ویژه برخوردار است، تا آنجا که مسجود فرشتگان قرار گرفته است. چنانکه می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء/70): همانا بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را در خشکی و دریا جای داده و از طیبات روزی دادیم و بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری بخشیدیم.

با توجه به اینکه اساس زندگی انسان را حفظ کرامت و عزت نفس تشکیل می‌دهد، انجام هرگونه کاری که این موهبت الهی را خدشه‌دار سازد از نظر اسلام ممنوع است. به تعبیری روشنتر، هر نوع سلطه‌گری و سلطه‌پذیری ناروا، اکیدا ممنوع می‌باشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «ولا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»: بنده دیگری مباش، خدا ترا آزاد آفریده است.

14. چرا حیات عقلانی انسان از دیدگاه اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد؟

حیات عقلانی انسان از دیدگاه اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا برتری و ملاک امتیاز انسان از سایر حیوانات به قوه تفکر و نیروی خرد او است. از این روی در آیات بسیاری از قرآن کریم، بشر به تفکر و اندیشه ورزی دعوت شده است تا آنجا که پرورش فکر و تفکر در مظاهر خلقت را از ویژگی‌های خردمندان دانسته است. بر اساس چنین دیدگاهی است که قرآن، انسانها را از پیرویهای نسنجیده و کورکورانه از گذشتگان منع می‌کند.

15. آیا انسان دارای خصوصیات مادی و اقتصادی است؟ اسلام در این باره چه می‌فرماید؟

انسان دارای خصوصیات مادی و اقتصادی می‌باشد و قرآن هم بندگان خدا را از چنین چیزی منع نکرده است، برخلاف فهم بعضی که خیال می‌کنند مسلمان باید از دنیا و ما فیها دوری کند و اینرا به اسلام ربط می‌دهند. درحالی که اسلام از چنین چیزی مبراً می‌باشد و معتقد بودن به چنین قولی، نشانه‌ی بد فهمی از اسلام است. چون اسلام اصل دانستن و چسبیدن به مادیات را نفی می‌کند نه استفاده‌ی صحیح از مادیات را؛ همانا که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» قصص/۷۷ یعنی: بهره خود را از دنیا فراموش مکن.

16. قرآن در مورد تمایلات خوردن و آشامیدن انسان چه می‌فرماید؟

انسان دارای تمایلات خوردن و نوشیدن می‌باشد که قرآن می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» بقره/۶۰ یعنی: بخورید و بیاشامید ولی در زمین، فساد نکنید. و یا اینکه خداوند در سوره

ملک/ ۱۵ می فرماید «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» او است آن که زمین را برای شما رام قرار داد، پس در روی شانه های آن راه بروید (همه گونه تصرف در آن بکنید) و از عطای خداوند بهره مند گردید؛ و برانگیخته شدن همگان فقط به سوی او است.

17. خداوند بوسیله قرآن چه کسانی را به راههای امن و امان هدایت می کند؟

اسلام، انسان را از تاریکی و سرگردانی به سوی روشنایی و سرافرازی می برد و از راه انحراف به راه راست هدایت می کند: سوره مائده/۱۶: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

خداوند بوسیله قرآن کسانی را به راههای امن و امان هدایت می کند که به دنبال رضایت او باشند و با مشیت و فرمان خودش، آنان را از تاریکی ها بیرون آورده و بسوی نور می برد و ایشان را به راه راست رهنمود می کند.

18. در اسلام شرط تکلیف چیست؟

اسلام به عقل و اندیشه اهمیت فراوانی می دهد، همانا که در قرآن ۱۵ بار به اولوالالباب اشاره نموده که این نشانه اهتمام اسلام به عقل، و بزرگداشت خود انسان می باشد، در اسلام شرط تکلیف، وجود عقل می باشد و خداوند به انسان، عقل را بخشیده تا از حیوانات جدا گردد و مسیر تکامل را بخوبی طی کند. آری خداوند همیشه صاحبان عقل و اندیشه را مدح می کند: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» آل عمران/۱۹۰ کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوهایشان افتاده (و در همه اوضاع و احوال خود) یاد می کنند و درباره آفرینش (شگفت‌انگیز و دلهره‌انگیز و اسرارآمیز) آسمانها و زمین می‌اندیشند.

19. یکی از عناصر کلیدی و سرنوشت ساز در کارهای آدمی را توضیح دهید.

تهذیب، عنصری کلیدی و سرنوشت ساز در همه کارهای آدمی است. به عبارت دیگر می توان گفت اساسی ترین و محوری ترین کار انسان، تهذیب است. پیامبران الهی یکی پس از دیگری آمدند تا امر خطیر تهذیب را

به عهده گیرند. امامان معصوم (علیهم السلام) نیز چنین رسالتی داشتند. قرآن کریم، در خصوص فلسفه بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» جمعه/2؛ اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد.

20. عبارت "انسان در ناحیه خوی و خصلتها یک موجود بالقوه است" را توضیح دهید؟

انسان در ناحیه خصلتها و خویها یک موجود بالقوه است، یعنی در آغاز تولد فاقد خوی و خصلت است، بر خلاف حیوانات که هر کدام با یک سلسله خصلتهای ویژه متولد می شوند.

انسان چون فاقد هرگونه خوی و خصلتی است، و از طرفی خوی پذیر و خصلت پذیر است، به وسیله خصلتها و خویهایی که تدریجا پیدا می کند یک سلسله "ابعاد ثانوی" علاوه بر ابعاد فطری برای خویش می سازد.

21. نقش علم و ایمان در رسیدن انسان به اهداف خود چیست؟

انسان برای نیل به اهداف خود به علم و ایمان نیازمند است. نقش علم این است که راه ساختن را به انسان ارائه می دهد. علم انسان را توانا می کند که هرگونه "بخواهد" آینده را همان گونه بسازد. و اما نقش ایمان این است که انسان را به سوی اینکه خود را و آینده را "چگونه" بسازد که برای خویشتن و برای جامعه بهتر باشد می کشاند. ایمان مانع آن می گردد که انسان آینده را بر محور مادی و فردی بسازد.

ایمان به خواست انسان جهت می دهد، آن را از انحصار مادیات خارج می کند و معنویات را نیز جزء خواستها قرار می دهد

ایمان مانند قدرتی حاکم بر انسان عمل می کند و خواست او را در اختیار می گیرد و در مسیر حق و اخلاق سوق می دهد. ایمان انسان را می سازد و انسان با نیروی علم، جهان را. آنجا که علم و ایمان توأم گردند، هم انسان سامان می یابد و هم جهان.

22. با ارزش ترین نوع آزادی کدام است و انسان را به چه موجودی تبدیل می کند؟

انسان به نیروی " عقل " و " اراده " مجهز است ، قادر است در مقابل میلها مقاومت و ایستادگی نماید و خود را از تحت تأثیر نفوذ جبری آنها آزاد نماید و بر همهء میلها " حکومت " کند .

انسان می‌تواند همهء میلها را تحت فرمان عقل قرار دهد و برای آنها جیره بندی کند و به هیچ میلی بیش از میزان تعیین شده ندهد و به این وسیله آزادی " معنوی " که با ارزش‌ترین نوع آزادی است کسب نماید این توانایی بزرگ از مختصات انسان است و در هیچ حیوانی وجود ندارد و همین است که انسان را شایستهء " تکلیف " کرده است و همین است که به انسان حق " انتخاب " می‌دهد و همین است که انسان را به صورت یک موجود واقعا " آزاد " و " انتخابگر " و " صاحب اختیار " در می‌آورد.

23. مسأله "ظلوم" و "جهول" بودن انسان به چه معناست؟

قرآن کریم، در عین حال که انسان را به عالی‌ترین مدح‌ها ستایش می‌کند، بزرگ‌ترین ملامت و نکوهش‌هایش هم درباره انسان است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

«کان ظلوما جهولا» انسان موجودی ستمگر و بسیار نادان است.

مسأله " ظلوم " و " جهول " بودن انسان بدین معنی است که این توصیف‌ها به خاطر فراموش کاری غالب انسانها و ظلم کردن بر خودشان و عدم آگاهی از قدر و منزلت آدمی است، همان کاری که از آغاز در نسل آدم به وسیله " قابیل " و خط قابیلیان شروع شد و هم اکنون نیز ادامه دارد.

24. مقصود از اینکه انسان موجودی بخیل است چیست؟

ظاهر این است که این جمله، عموم است. یعنی همه انسانها بخیلند، حال آنکه می‌بینیم برخی از انسانها بخیل نیستند. لکن از آنجا که اکثر انسانها بخیل هستند، جایز است که جانب اکثر را غلبه دهیم و بگوییم: همه انسانها بخیلند.

علاوه بر آن، انسان هر اندازه هم بخشنده و سخی باشد، بخشش او در برابر بخشش خداوند ناچیز و سخاوت او بخل است، زیرا انسان، چیزی را می‌بخشد که مورد احتیاجش نباشد. اما آنچه که مورد احتیاجش هست، برای خود نگه می‌دارد و از بخشش آن خودداری می‌کند ولی خداوند احتیاجی ندارد، بنا بر این نعمتهای خود را به مطیع و عاصی می‌بخشد و ترسی از احتیاج و فقر ندارد.

25. مقصود از اینکه انسان موجودی بخیل است چیست؟

مقصود از اینکه فرمود: "انسان عجول است" این خواهد بود که او وقتی چیزی را طلب می‌کند صبر و حوصله به خرج نمی‌دهد، در جهات صلاح و فساد خود نمی‌اندیشد تا در آنچه طلب می‌کند راه خیر برایش مشخص گردد، و از آن راه به طلبش اقدام کند بلکه به محض اینکه چیزی را برایش تعریف کردند و مطابق میلش دید با عجله و شتابزدگی به سویش می‌رود و در نتیجه گاهی آن امر، شری از آب در می‌آید که مایه خسارت و زحمتش می‌شود، و گاهی هم خیری بوده که از آن نفع می‌برد.

26. مقصود از تفکر آفاقی و تفکر انفسی چیست؟

اسلام انسان را به تفکر، آفاقی و تفکر انفسی دعوت کرده است؛ که این مستفاد از آیه شریفه « سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ » یعنی انسان به عالم بیرون از خود نگاه کند؛ و ببیند خداوند چگونه عالم را آراسته و خلق کرده است. اینکه انسان به تک تک اجزای عالم به دیده تفکر و تأمل نگاه کند و ببیند این دنیایی که ما در آن هستیم آیا عبث آفریده شده است؟ آنهایی که در علوم طبیعی کار می‌کنند؛ از این منظر نیز کاری بس ارزشمند انجام می‌دهند. آنها به آفاق نگاه می‌کنند و تفکر آفاقی دارند. قسم بعدی، تفکر انفسی است. اینکه انسان به خود مراجعه کند و ببیند این وجود عجیب و غریب و جمع اضداد خاص چگونه آفریده شده است. انسان اگر به خود نظر بیافکند؛ متوجه می‌شود که از همه مخلوقات خداوند در او نشانه‌هایی است. تمامی اسماء و صفات الهی در وجود انسان نهفته شده است. این تفکر انفسی است و این‌ها همه در اسلام عبادت محسوب می‌شود.

27. امام علی (ع) نشانه‌های آدم عاقل را چگونه بیان می‌کند؟

«سته تختیر بها عقول الناس: الحلم عند الغضب، والقصد عند الرغب، والصبر عند الرهب، وتقوی الله فی کل حال، وحسن المداراه، وقله المماراه» (غرر الحکم ودرر الکلم)

شش چیز است که عقول مردم با آنها آزمایش می گردد. بردباری به هنگام خشم، میانه روی به گاه میل و رغبت در کاری، شکیبائی به هنگام ترس، از خدا ترسیدن در هر حال، خوب مدارا کردن، و کینه و ستیز را کم کردن.

28. امام علی (ع) در باره مسئولیت انسان در برابر هم نوعان چه می فرماید؟

از فرازهای درخشان عهدنامه مالک اشتر که از زبان مولا علی علیه السلام بیان شده، این عبارت است:

[النَّاسُ] صنفان: اَمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ.

مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند.

در واقع، حضرت علی علیه السلام در این کلام حس مسئولیت مالک اشتر و همه انسان ها را از دایره مسلمانان فراتر برده و بر همگان تعمیم داده است. مسلمان هر کجای این دنیا که باشد، نمی تواند درد و رنج دیگران را ببیند، ولی آرام و بی توجه از کنارشان بگذرد، بلکه می کوشد تا غبار اندوه و ناامیدی را از چهره هم نوعانش پاک کند و کارها و رفتارش، مرهمی برای سختی ها و دردهای آنان باشد. دگر دوستی، یکی از عوامل آرامش و صلح پایدار در جهان است .